

## افشاریه

نادر قلی فرزند امام قلی از قبیله " قرخلو " بود که شاخه ای از ایل افشار به شمار می رفت . طایفه مزبور ، از آغاز سلسله صفوی برای جلوگیری از هجوم ازبکان و ترکمانان به منطقه شمال خراسان کوچ داده شد و در منطقه ایبورد و دره گز استقرار یافت . مورخ رسمی در بار نادری ، میرزامهدی خان ، تاریخ تولد نادر را روز شنبه بیست و هشت محرم سال هزار صد هجری قمری ذکر کرده و با توصیف مختصری از حیات عشایری ، اصل و نسب آخرین فاتح بزرگ آسیای را در پرده نگاه داشته است . آنچه مسلم است نادر تا طغیان افغانه غلزایی قندهار و برافزاندن حکومت دویست و پنجاه ساله صفویان ، در گمنامی به سر می برده و زندگانی بی پیرایه چوپانی او ، تنها با هنر نمایها و قهرمانیهای ساده ای همراه بوده است .

سقوط اصفهان در سال 1135 ه.ق. بهانه خوبی به دست سرکشان داخلی و مدعیان خارجی ایران داد تا هر يك از گوشه ای سر برآوردند و کشور را به هرج و مرج طولانی مبتلا کنند . نادر نیز در راس گروهی که برای حمایت از حیات و هستی اهل ایبورد فراهم ساخته بود ابتدا در خدمت خان همین منطقه قرار گرفت و پس از ازدواج پیاپی با دو دختر او ، وارث حکومت محلی کوچک وی شد . آن گاه در سال 1139 ه.ق که شاهزاده سرگردان صفوی ( تهماسب میرزا ) در جستجوی یاران و همراهان فداکاری بود به او پیوست و عزم نجات ایران کرد .

سردار افشار در خلال چهار جنگ پیاپی که با شورشیان افغان داشت توانست سردسته آنان ، یعنی اشرف و همراهانش را در مناطق مهماندوست دامغان ، سردره خوار ( نزدیک تهران ) مورچه خورت اصفهان و زرقان فارس در هم بکوبد . راه را برای استقرار مجدد حکومت صفوی هموار کند . پس از آن در طول چندین نبرد بزرگ و کوچک با ترکان عثمانی که بیست سال طول کشید ( به غیر از يك مورد ) همه جا نادر پیروز بود . وی نیروهای عثمانی را شکست داد و آنان را از خاک ایران تا منتهی الیه دریای سیاه و ارمنستان و گرجستان بیرون راند . نیروهای روسی نیز که وصیت پتر کبیر از اختلافات درونی ایران استفاده کرده بودند با سیاست و تدبیر عاقلانه وی تمامی خطه شمال و باریکه ساحلی خزر را ( از دربند و باکو تا مازندران ) تخلیه کردند . نادر با بهره گیری به موقع از ضعفهایی که شاه تهماسب دوم ( 1145 - 1125 ه.ق. ) از خود نشان داد وی را از سلطنت خلع کرد . پس از آن با خلع فرزند خردسال شاه تهماسب دوم یعنی عباس سوم از سلطنت خود در شوال سال 1148 ه.ق. با رای و اراده بزرگان ، سرداران ، ریش سفیدان و روحانیان عالیمرتبه ای که در دشت مغان گرد آورده بود ، سلطنت نشست . اقدامات بعدی او ، سرکوبی سرکشان داخلی در قندهار و ایجاد نظم در سراسر کشور بود . از آنجا که دولت گورکانی هند جمعی از فراریان افغان را پناه داده بود و به توقعات نادر نیز وقعی نمی نهاد ، نادر ناچار شد که عازم شبه قاره شود . نبرد قطعی میان فریقین ، در منطقه کرنال در 15 ذیقعده سال 1151 ه.ق. ( 24 فوریه 1739 ه. ) روی داد که به شکست محمد شاه گورکانی انجامید . نادر به همراه سپاهیان خود وارد دهلی شد پس از ضرب سکه و اعلام انقیاد حریف ، دگرباره تخت سلطنت را به محمد شاه واگذاشت . پادشاه گورکانی نیز در مقابل آن ، مناطق غربی آب تگ و رودخانه سند را به ایران تسلیم کرد . شهرت دارد که نادر در حین عزیمت به هند حاکمی برای کشمیر معین کرد ، ولی دلایل دیگری درباره تثبیت حاکمیت او بر آن منطقه در دست نیست .

در بازگشت نادر به ایران خدایارخان عباسی (فرمانروای سند ) نافرمانی آغاز نمود که نادر ناگزیر سالی را برای مطیع ساختن مجدد وی و افغانه متمرده منطقه صرف کرد و تمشیت کامل به امور آن نواحی داد . واقعه مهم پایانی سال 1153 ه.ق. لشکر کشی شاه ایران به ماوراءالنهر و تصرف مناطق جنوبی آمودریا ( جیحون ) بود . ابوالفیض خان ( از احفاد چنگیز ) به شکست قطعی معترف شد و از سوی نادرشاه حکومت سمرقند و بخارا و آن سوی رودخانه تا صفحات سفد و فرغانه را به دست آورد . اما ، ایلبارس خان ( والی خوارزم ) از در جنگ در آمد و لامحاله جان بر سر دعوی نهاد .

بدین سان ، خوارزم جایگاه تاریخی خود را بازیافت و صفحات مابین دریاچه های آرال و مازندران تا حوالی دشت قبچاق قدیم ، که با قزاقستان کنونی مطابقت دارد ، فرمان پذیر شدند .

نادر بر اثر اشتباهی که در تشخیص و داوری در مورد سوء قصد کنندگان به خود مرتکب شد ، به فرزند ارشد خود ( رضا قلی میرزا ) خشم گرفت و چشمهای او را کور کرد ( 1154 ه.ق. ). این فاجعه موجب شد که اعتدال روانی وی مغشوش شود و وخامت احوالش فزونی یا بد . اغتشاشات داخلی لزگیها در داغستان و قیامهای محلی فارس و گرگان و دیگر نقاط همراه با لجاجتی که عثمانیها برای رد شرایط پیشنهادی وی نشان می دادند و از پذیرش مذهب شیعه جعفری به عنوان رکن پنجم اسلام سرباز می زدند ، موجب گردید که نادر از لشکرکشی به روسیه و استانبول و مناطق ماوراءالنهر منصرف گردد و درگیر گرفتاریهای نفس گیر و ایدایی داخلی شود .

سرانجام هلاکت وی به دست جمعی از سرداران مقربان انجام گرفت که همگی بر جان خویش بیمناک بودند . به همین سبب با توطئه هولناکی که در یازدهم ماه جمادی الاثانی سال 1160 در قوچان ترتیب دادند ، او را از پای در آوردند .

نادر از فرمانروایانی بود که برای آخرین بار ایران را به محدوده طبیعی فلات ایران رسانید و با تدارک کشتیهای عظیم جنگی ، کوشید تا استیلای حقوق تاریخی کشور را بر آبهای شمال و جنوب تثبیت کند .

## جانشینان نادر شاه افشار

با افول دولت نادری ، سرزمین پهناور فلات ایران کع پس از مدتها به زیر یک درفش در آمده و رنگ یگانگی پذیرفته بود ، از هم پاشید . همچنین ، سرداران متعددی که از برکت همت و حمیت شاه افشار اعتبار و اهمیت یافته بودند ( به پیروی آن بزرگ ) صلای کشورگیری سردادند. از میان عناصر قدرتمندی که یک چند بر بخشهای مختلف ایران حکومت کردند ، می توان از مدعیان زیر نام برد :

- کریم خان زند ( 1193 - 1163 ه.ق. ) : از سوابق زندگی خان زند تا سال 1163 ه.ق. که جنگهای خانگی بازمندگان نادر شاه بی کفایتی آنان را برای مملکتداری آشکار ساخت و به تبع آن عرصه را برای ظهور قدرتهای جدید مستعد گردانید ، خبری در دست نیست . به دنبال اغتشاشات گسترده و عمومی این ایام خان زند به همراه علی مردان خان و ابوالفتح خان بختیاری اتحاد مثلثی تشکیل داد و چون هیچ یک از آنان خود را از دیگری کمتر نمی شمرد ، ناچار به نزاعهای داخلی روی آوردند . سرانجام کریم خان توانست پس از شانزده سال مبارزه دائمی بر تمامی حریفان خود از جمله محمد حسن خان قاجار و آزاد خان افغان غلبه کند و صفحات مرکزی و شمالی و غربی و جنوبی ایران را در اختیار بگیرد . برادر وی ، صادق خان ، نیز موفق شد در سال 1189 ه.ق. بصره را از حکومت عثمانی منتزع نماید و به این ترتیب ، نفاذ اوامر دولت ایران را بر سراسر ارون رود و بحرین و جزایر جنوبی خلیج فارس مسلم گرداند . بعد از در گذشت خان زند دگرباره جانشینان او به جان هم افتادند و با جنگ و نزاعهای مستمر ، زمینه تقویت و کسب اقتدار آقا محمد خان و سلسله قاجار را فراهم آوردند .

- شاهرخ افشار: به دنبال قتل نادر ، نخست برادر زاده او ( علیقلی خان عادلشاه ) زمام قدرت را در دست گرفت و به فاصله یک سال ، به دست برادر خود ( ابراهیم خان ) مغلوب ، کور و زندانی گشت . شاهرخ ، فرزند رضاقلی میرزا ( نواده نادر ) سرانجام بر بنی امام پیروز شد و چون به دلیل بر نابینا شدن توانایی اداره امور کشور را نداشت ، لاجرم به همان فرمانروایی بر مشهد و نیشابور و گاه هرات و بخشی از صفحات خراسان شمالی بسنده کرد . حکومت او با توجه به احترامی که خان زند برای ولی نعمت خود ، یعنی نادرشاه ، داشت ، بلامعارض بود و تا سال ( 1210 ه.ق. ) که آقا محمد خان سراسر

ایران را به تصرف خود در آورد ادامه یافت .

-احمد خان ابدالي : این مرد که از سرداران نادر و از همراهان صدیق وي در اواخر کار بود، در اندک مدتي توانست بر قندهار و کابل استیلا یابد و با حملات پیاپی بر مناطق سند و پنجاب و کشمیر بر وسعت قلمرو خود بیفزاید . تعرضاتي که وي به مشهد مقدس کرد ، بي نتیجه ماند و چون کریم خان زند به احترام احفاد نادر متوجه صفحات شرقي نبود ، بخشهایی از سیستان و بلوچستان هم در ربه اطاعت او باقی ماند .

- اوضاع بخشهایی شمال ایران که مناطق شروان و اران و ارمنستان و گرجستان را در بر می گرفت تا اندازه اي مبهم است . اما در مجموع حکایت از آن دارد که به تبع سوابق سر بر خط فرمان خان زند و جانشینان وي داشته اند . در این میان ، هراکلیوس ( والي گرجستان ) که از سرداران مورد اعتماد نادر شاه بود ، به تحکیم پایه هاي قدرت داخلي خود اهتمام ورزید . لیکن ، معلوم است که تا پایان کار سلسله زندیه و آغاز سلطنت دودمان قاجار و حتي دوره اول جنگهایی که به مدت ده سال طول کشید ( 1228 - 1218 ه.ق. / 1813 - 1803 م. ) و به سلطه طولانی روسها منجر شد ، کماکان حاکمیت تاریخي ایران را پذیرفته بوده است .

- بخشهاي شمالي خراسان و ماوراءالنهر ( بخارا ، سمرقند و خیوه یا خوارزم ) در تحت حکمرانی خانهای ازبک و ترکمانانی بودند که خود را از دودمان چنگیزی می شمردند و روابطي مبتنی بر خود مختاری داخلي و در عین حال ، تمکین به قدرت فائقه مرکزی ایران را ضروري می دیدند

[http://www.farhangsara.com/fhistory\\_afshar.htm](http://www.farhangsara.com/fhistory_afshar.htm)